

تبیین وجودشناختی رابطه خیر با تقدیر و سرنوشت در فلسفه افلوطین

محمد اکوان^۱، سیدمحمد نقیب^۲

چکیده

«خیر» در فلسفه افلوطین نخستین اقنوم از اقنومهای سه‌گانه است و از دو جهت خیر است: یکی در قوس نزول بعنوان علت فاعلی و دیگری در قوس صعود بعنوان علت غایی همه موجودات. عقل، نخستین جلوه خیر است که در عین حال هم تعقل است و هم وجود، هم جنبه هستی‌شناختی دارد و هم جنبه معرفت‌شناختی. عقل بر جهان هستی و همه مراتب آن نظارت دارد؛ یعنی جهان، طبق مقدرات و اندازه‌گیری و طرح و برنامه‌ی که عقل برای اداره آن تنظیم و ترسیم کرده است، تدبیر میشود. سرنوشت انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست اما انسان چون طبق مقدرات عقل، از اختیار برخوردار است در نظام خلقت فقط موجودی انفعال‌پذیر نیست بلکه با اختیار خود میتواند ضمن ارتباط و اتحاد با خیر، به سعادت ابدی نایل گردد. بنابراین، از نظر افلوطین همه جهان هستی از خیر بعنوان فاعل و غایت آفرینش بهره‌مند است. مسئله اصلی ما چگونگی ربط خیر با تقدیر و هدف نوشتار حاضر تبیین

۳۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۶

۱. دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)؛

mo_akvan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه غرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ snaghib@yahoo.com



این امر و نتیجه روشنگر این است که خیر از مجرای عقل به تدبیر عوالم معقول و محسوس می‌پردازد.

کلیدواژگان: خیر، عقل، ایده‌ها، تقدیر، سرنوشت، افلوطین.

* * *

۱. مقدمه

افلاطون در رساله جمهوری (Republic) درباره نقش هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مثال خیر (goodness) بگونه‌ی مفصل سخن گفته است. مثال خیر (good idea) هر چند بظاهر در درون جهان معقول قرار دارد، اما در واقع، هر چه در جهان معقول است، هستی و معرفت خود را از او می‌گیرد. به بیان دیگر، مثال خیر مبدأ جهان هستی است که در نگرش افلاطون در بطن عالم معقول و منشأ جهان عقل و ایده‌ها است، اما در فلسفه افلوطین جایگاه متعالی‌تری می‌یابد. از اینرو، خیر در فلسفه افلوطین جایگزین مثال خیر در فلسفه افلاطون می‌گردد. بنابراین، چیستی و هستی خیر و ارتباطش با اقومهای عقل و روح، یکی از مسائل محوری فلسفه افلوطین شمرده می‌شود. علاوه بر این، ایده‌ها و عالم عقل نقش مهمی در تعیین بخشیدن به عالم معقول و محسوس دارند.

افلوطین در بحث چگونگی اداره عالم، عقل را مدخلیت داده و نظام موجود در عالم را برگرفته از عقل و ایده‌ها میداند. واژه‌ی که او از آن برای این نظام‌مندی استفاده می‌کند، «تقدیر» است که بمعنای اندازه کردن و اندازه نمودن و همچنین مقایسه چیزی با چیزی دیگر و بخش کردن رزق و روزی و نصیب هر چیزی است. او در مسئله تقدیر به بحث سرنوشت انسان می‌پردازد و رابطه سرنوشت انسان را با تقدیر و عقل و ایده‌ها روشن مینماید. همچنین درباره این مسئله که آیا اختیار انسان با تقدیر منافات دارد یا اینکه اختیار خود وجهی از وجوه تقدیر است و انسان با اختیار خود در برنامه کلی تقدیر

۳۴



سال دهم، شماره دوم
پاییز ۱۳۹۸